

## عنوان مقاله:

تحلیل تطبیقی اثر نظریه علیت اشرابی بر غایت شناسی طبیعی دکارت و سوارز

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی، دوره 26، شماره 2 (سال: 1403)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

محمدعلی سلطان مرادی - دانشجوی دکتری فلسفه غرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

یوسف شاقول - دانشیار، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

غلامحسین توکلی - دانشیار، گروه فلسفه، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

## خلاصه مقاله:

فرانسیسکو سوارز با ابداع نظریه علیت اشرابی ادعا کرد که علل اربعه وجود را به معلول اشراب می‌کنند. بدین ترتیب، نظریه اشرابی علیت مفهوم هر چهار علت - به ویژه علت غایی - را شبیه علت فاعلی می‌گرداند. از این رهگذر، سوارز می‌توانست در فلسفه خود اراده آزاد و بی‌غایت الهی را با کنش غایتمند او در طبیعت جمع کند. دکارت نیز، با تأثیرپذیری از نظریه اشراب، علت غایی را از فلسفه خود حذف کرد تا راه را برای توضیح مکانیکی طبیعت هموار نماید. بدین نحو نظریه ای که با اهدافی الهیاتی ابداع شده بود، مبنای توضیح علمی طبیعت قرار گرفت. در این پژوهش تفاوت‌ها و شباهت‌های غایت‌شناسی طبیعی را در متافیزیک دکارت و سوارز بررسی می‌کنیم. مطالعه تطبیقی این دو نظام مابعدالطبیعی نشان می‌دهد که چگونه ممکن است دو نظریه از مبانی واحدی متأثر باشند، اما به نتایج متضادی بینجامند. بنابراین، در ابتدا مفهوم نظریه اشرابی علیت را تحلیل خواهیم کرد، پس از آن با تکیه بر شواهد متنی تأثیر نظریه اشراب بر غایت‌شناسی سوارز و دکارت را آشکار خواهیم ساخت. سپس بررسی می‌کنیم که چگونه دکارت، با بسط نظریه علیت سوارز، ضرورت علی (فاعلی) را تنها خیر در طبیعت در نظر گرفت.

## کلمات کلیدی:

علیت، غایت‌شناسی، نظریه اشراب، دکارت، فرانسیسکو سوارز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/2072180>

